

ترامپ، جمهوری اسلامی و اپوزیسیون راست

این متن بر مبنای گفتگوی تلویزیونی خلیل کیوان با حمید تقوایی تلویین شده است

صفحه ۲

در مورد افزایش دستمزد

گفتگوی خلیل کیوان با شهلا دانشفر

صفحه ۵

متن سخنرانی مینا احدی در مورد نژادپرستی در پارلمان آلمان

صفحه ۸

تداوم اعتراضات کارگری با شروع سال جدید

کارگران ایران پوپلین رشت همکاران اخراجی را به سر کار بازگرداندند

کارگران نیشکر هفت تپه مدیران را فراری دادند

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۹

از هلند خطاب به دختران انقلاب: ما شما را ستایش می کنیم!

الیزابت، یک دختر هلندی در پیامی اینچنین میگوید: ما یک گروه مستقل برابریخواه از چند کشور اروپایی هستیم. روحیه و رفتار شما زنان ایرانی را ستایش میکنیم که به خاطر به دست آوردن آزادیتان، خطر میکنید. بارها رفتار شجاعانه‌ی شما را دیدیم و دنبال کردیم و تحت تاثیر قرار گرفتیم. حالا فکر میکنیم نوبت ماست که شما را پشتیبانی کنیم.

ما در چند شهر مختلف صدها استیکر ضدحجاب اجباری را به در و دیوار چسبانیدیم و سعی کردیم صدای شما باشیم. بروی آن به سه زبان فارسی، انگلیسی و آلمانی نوشتیم: نه به حجاب اجباری. با استفاده از ارتباط مجازی، نوشتنی فارسی را چک کردیم که غلط نداشته باشد.

منتظر گزارش تصویری در این باره باشید؛ البته هدیه کوچکیست



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۵۷

جمعه ۱۰ فروردین ۱۳۹۷، ۳۰ مارس ۲۰۱۸

رهبری محصول هژمونی سیاسی است

منصور حکمت

صفحه ۲

اطلاعیه شماره ۳

روز سوم جلسه عبدالکریم سروش هم در تورنتو به هم خورد!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۴

مردم هر سه استان کردستان عراق با شعار سر نگون، سر نگون، خواهان سر نگونی حکومت اقلیم شدند

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۰

مردم کردستان! علیه کشتن کولبران توسط حکومت اسلامی یکصدا دست به اعتراض بزنیم!

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۱

ترامپ، جمهوری اسلامی و اپوزیسیون راست

این متن بر مبنای گفتگوی تلویزیونی خلیل کیوان با حمید تقوائی تدوین شده است

است

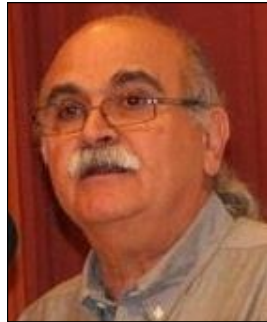
این اولویت دولت آمریکا است و اعمال فشارهایش هم در این جهت است. بنابراین چه از نظر اهداف و چه از نظر امکان، لااقل در شرایط حاضر، سیاست رژیم چنج نمیتواند در دستور دولت آمریکا قرار بگیرد. **خلیل کیوان:** اشاره کردید که سیاست آمریکا اساسا اینست که جمهوری اسلامی را رام کند. آیا این ممکن است؟ جمهوری اسلامی را رام شدنی است؟

حمید تقوائی: دولت آمریکا تلاش میکند این امر صورت بگیرد اما بطور واقعی برای جمهوری اسلامی رابطه با آمریکا يك پارادوکس و يك تناقض پایه ای است. جمهوری اسلامی از یکسو از نظر اقتصادی و از نظر سیاسی نیاز دارد که در دیپلماسی جهانی و بخصوص در بازار جهانی برسیمت شناخته بشود. سیاستهای روحانی که گرچه ظاهرا با اکراه و مخالف خوانی ولی در واقع با تأیید خامنه ای اتخاذ شده است در همین جهت است. مدتهاست، قبل از آغاز مذاکرات برجام، رژیم بقول خود حکومتی ها بنیبال کشایش اقتصادی بوده است و میخواست است روابطش با غرب و بخصوص با آمریکا را متعادل تر کند. هدفشان این بود که در ایران سرمایه گذاری بشود و در دیپلماسی جهانی هم حکومتشان جانی پیدا کند.

از سوی دیگر بند ناف رژیم را با ضدآمریکائیگری بریده اند. جمهوری اسلامی از همان بلو بقدرت رسیدن با حمله به سفارت آمریکا توانست خودش را در مقابل طوفانی که بعد از انقلاب ۵۷ همچنان ادامه داشت و رژیم را تهدید میکرد، حفظ کند. حکومت تازه بقدرت رسیده بعد از مرگ بر شاه، شعار مرگ بر شیطان بزرگ را محور قرار داد و این جهتگیری ضد آمریکائی باعث شد که جمهوری اسلامی در جنبش اسلام سیاسی و بعد از حمله آمریکا

جمهوری اسلامی را بعنوان عامل تروریسم در منطقه تحت فشار قرار داد و با عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی بیشتر نزدیک شد و غیره. امروز با تغییراتی که ترامپ در کابینه اش داده است و عناصری از جناح تند رو یا باصطلاح بازها مثل جان بولتون و مایک پمپئو را وارد کابینه کرده است طبعاً اعمال فشار بر جمهوری اسلامی بیشتر خواهد شد ولی به نظر من حمله نظامی و رژیم چنج نمیتواند استراتژی دولت آمریکا باشد. چه در ایران و چه در هر منطقه دیگری. این را باید توجه داشت که ترامپ علیرغم مواضع تندش علیه جمهوری اسلامی در عین حال در کارزار انتخاباتی اش علیه حمله دولت بوش به عراق صبت میکرد و کلا سیاست رژیم چنج را اشتباه میدانست و معتقد بود آمریکا نباید سیاست تغییر دولتها را دنبال کند. اما حتی گذشته از این مواضع ترامپ، و مهمتر از آن از لحاظ عملی هم بعد از تجربه عراق و افغانستان و ناکامی سیاست میلیتاریستی دولت آمریکا در تثبیت رژیم خود در دوره پسا جنگ سرد، در دستور کار هیات حاکمه آمریکا نیست. بنابراین رژیم چنج به معنی واقعی یعنی حمله نظامی، اگر کاملاً ناممکن نباشد بسیار ضعیف و نامحتمل است. رژیم چنج از طرق دیگری مثل تحریم اقتصادی هم کلا منتفی است.

در يك سطح کلی تر باید توجه داشت که دولت آمریکا در هیچ دوره ای حتی در اوج سیاستهای میلیتاریسم دوره بوش، هدفش تغییر رژیم ایران نبوده است بلکه این هدف را دنبال میکرده است که جمهوری اسلامی را رام کند و در چارچوب سیاستهای خود قرار بدهد. جنبه ضد آمریکائیگری را از رژیم بگیرد و نوعی آنرا استحاله کند منتهی استحاله در جهت نزدیکی به غرب،



خلیل کیوان: پیام نوروزی ترامپ و انتصاب برخی مقامات تندرو مخالف جمهوری اسلامی به پستهای کابینه اش به بحثهایی در رسانه ها و مדיای اجتماعی و در میان نیروهای اپوزیسیون دامن زده است. در این مورد با حمید تقوائی به گفتگویی نشینیم.

پیام نوروزی ترامپ که مضمون صریحا ضد جمهوری اسلامی داشت و همچنین انتصاب مقاماتی مثل مایک پمپئو به سمت وزیر امور خارجه و جان بولتون بعنوان رئیس شورای ملی امنیت که هر دو از مخالفین تند روح هستند نشانه چیست؟ آیا این تغییرات به معنی متمایل شدن بیشتر سیاست دولت آمریکا به رژیم چنج در ایران است؟

حمید تقوائی: برخی این تحولات را این طور تعبیر میکنند که دولت ترامپ بیشتر به سیاست رژیم چنج متمایل میشود. در اینکه این جهتگیری نسبت به دوره اوباما موجب اعمال فشار بیشتری به جمهوری اسلامی است تردیدی نیست. اینهم به امروز و دیروز مربوط نمیشود. ترامپ از همان دوره کارزار انتخاباتی اش مواضع تندی علیه جمهوری اسلامی داشت. برجام را قبول نداشت و معتقد بود این بدترین توافقنامه ای است که دولت آمریکا امضاد کرده است و یکی از انتقاداتش به دولت اوباما این بود که دیپلماسی سازشکارانه ای با جمهوری اسلامی در پیش گرفته است. ترامپ بعد از انتخاب شدن هم همین سیاستها را ادامه داد،

رهبری محصول هژمونی سیاسی است

منصور حکمت

حزب و جنبش ما مصمم است که این رهبری را تامین کند. همه فعالیت حزب کمونیست کارگری معطوف به جدا کردن مردم ایران از هر آلترناتیو و خط مشی بورژوازی و سوق دادن آنها به يك موضع چپ و انقلابی در تحولات سیاسی جاری ایران است. شاخص پیشروی چپ در برابر راست در جنبش اعتراضی علیه رژیم اسلامی، بالا رفتن انتظارات مردم و نپذیرفتن نقطه سازشهایی است که هیات حاکمه و اپوزیسیون بورژوازیی قدم به قدم جلوی مردم قرار میدهند. دوم خرداد یکی از اینها بود. مردم نهایتاً تن ندادند. جنبش ملی اسلامی احتمالاً هنوز چند فرمول دیگر برای همزیستی مردم با يك رژیم اسلامی اصلاح شده در آستین دارد. اینها را باید يك به يك منزوی کرد. اپوزیسیون بورژوازی بیرون حکومت در مقطعی وارد صحنه خواهد شد تا نقطه تعادلهای جدیدی که متضمن حفظ شالوده قدرت طبقاتی اش است را بعنوان پیروزی جنبش مردم جا بزند. ما باید مدام مردم را به فراتر رفتن از این چهارچوبها فرا بخوانیم. ما باید بعنوان سخنگویان و منادیان "نه" بزرگ مردم به کلیت استبداد و استثمار و تبعیض و ارتجاع در صحنه سیاسی ایران ظاهر بشویم. هرچه این نخواستن عمیق تر و همه جانبه تر بشود، رهبری کمونیستی بر جنبش اعتراضی بیشتر تثبیت میشود. از نظر عینی روند اوضاع به نفع ماست، چون نقطه سازشهای مورد نظر هیات حاکمه و اپوزیسیون بورژوازیی از نظر عینی پاسخ نیازهای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی جامعه ایران امروز نیست. بحران اقتصادی - سیاسی - فرهنگی سرمایه داری در ایران به سادگی قابل تخفیف دادن نیست.

منصور حکمت ۱۹ مرداد ۱۳۸۰

سوال میشود که مبارزه در سطح جامعه دارد گسترش پیدا میکند و جنبش سرنگونی احتیاج به رهبری دارد. در غیاب اتحاد اپوزیسیون، رهبری جنبش چگونه باید تامین شود؟

رهبری محصول هژمونی سیاسی است و نه معدل گیری میان جنبشها و یا قرار و مدار سیاستمداران. پیدایش يك رهبری در جنبش عمومی برای سرنگونی تابعی از دست بالا پیدا کردن يك افق است. وجود يك رهبری واحد گواه این است که توده وسیع مردم انتخاب سیاسی خود را کرده اند. این انتخاب بدوا يك انتخاب حزبی نیست. مردم در خطوط کلی میان راست و چپ انتخاب میکنند. آیا افق آلترناتیو در برابر رژیم اسلامی در خطوط کلی از نظر مردم يك افق و راه حل چپ است یا راست؟ این سوالی است که قبل از بقیه پاسخ میگردد. آیا مردم در انداختن جمهوری اسلامی، به بالا، به قدرتهای غربی و به اقتصاد بازار امید مینهند یا به نیروی خود، به چپ جامعه و به يك راه حل رادیکال چشم میدوزند. مردم چپ را میخواهند یا راست را؟ این سوال هنوز در ایران امروز باز است. این انتخاب هنوز صورت نگرفته است. اگر ما بتوانیم افق چپ و انقلابی را به افق هژمونیک در روند سرنگونی رژیم اسلامی تبدیل کنیم، آنوقت شخصیتها و احزاب عمده این اردوی چپ در موقعیت رهبری قرار میگیرند. مردم در هر دوره چپ جامعه را با جریانات معینی تداومی میکنند و آنها را پرچم و ظرف چپگرایی خود قرار میدهند. يك دوره حزب توده این نقش را داشت، يك دوره فدایی. امروز مردم ایران حزب کمونیست کارگری را سخنگو و بستر اصلی چپ در جامعه میدانند. در نتیجه رهبری تابعی از انقلابی و یا غیر انقلابی برای سرنگونی حکومت اسلامی است.

و مولفانش به عراق، در منطقه ثقلی پیدا بکند و هویت و موقعیتی بیاید.

امروز هر نوع نزدیک شدن رژیم به آمریکا این هویت و موقعیت را زیر سؤال میبرد. از نظر استراتژی سیاسی تداعی شدن با اسلام ضد آمریکائی برای حکومت حیاتی است و حتی تبدیل شدن به حکومتی شبیه عربستان سعودی و یا ترکیه برای جمهوری اسلامی ممکن نیست. این استراتژی سیاسی و هویت و تعریفی که حکومت از خودش بلست داده است را کاملاً در هم میشکند و این امر بحران سیاسی حکومت را بسیار تشدید خواهد کرد.

این يك موقعیت باخت- باخت است. از يك طرف سیاست عادی کردن روابط با غرب و آمریکا، بخصوص از نظر اقتصادی، يك نیاز مبرم حکومت است و از طرف دیگر ناگزیر است همچنان بر طبل مرگ بر آمریکا بکوبد تا در منطقه و در جنبش اسلام سیاسی موقعیتش را حفظ کند. این پارادوکسی است که رژیم راه خلاصی از آن ندارد.

خلیل گوان: اجازه بدهید برگردیم به مواضع اپوزیسیون راست. تغییراتی که ترامپ در کابینه اش صورت داده است و صحبت‌های تندش در پیام نوروزی از طرف نیروهای مثل مجاهدین مورد استقبال قرار گرفته و برخی از ملی-اسلامی‌ها و همچنین سلطنت طلبها هم به این اتفاقات روی خوش نشان داده اند. در عین حال از ترامپ خواسته اند به اقدام نظامی متوسل نشود و از برجام هم خارج نشود. در این مورد نظر شما چیست؟

حمید تقوائی: استقبال از پیام ترامپ و انتصابات جدید از جانب نیروهای که نام بردید کاملاً قابل انتظار بود. استراتژی نیروهای اپوزیسیون راست اساساً اتکا به غرب و مشخصاً آمریکا به امید تغییر و تحولاتی از بالا است. باید گفت این امر مشتی است که با حمله نظامی مخالفت کرده اند ولی در هر حال به نوعی رژیم پنج بدون حمله نظامی امید بسته اند و میخواهند به نحوی از طرف آمریکا انتخاب بشوند. يك نوع سناریویی مثل سناریوی ۵۷ - که الان دیگر غیر ممکن است اتفاق بیفتد -

را مد نظر دارند. سناریویی که غرب علناً پشت خمینی رفت و زیر نور افکنش قرار داد. بخصوص مجاهد روی این سناریو خیلی حساب میکند. فعالیتهای لابی ایستی مجاهد همه در این جهت است. گرچه سازمان مجاهدین در جامعه و در اعتراضات و مبارزات جایگاهی ندارد و تا حد زیادی در میان مردم منزوی شده است، ولی در رابطه با دولتهای غربی خیلی فعال است و تلاش میکند با جلب نظر آنها و حتی نزدیکی با دولتی مثل عربستان سعودی جایی در سیاست پیدا کند و از این نمذ کلاهی برای خودش بلوزد.

نیروهای اپوزیسیون ناسیونالیست و سلطنت طلب هم خودشان را آلترناتیو مورد پسند غرب و آمریکا میدانند و به این دلیل است که این نیروها از مواضع ترامپ اظهار خشنودی میکنند. اما اگر بپرسید اینها عملاً چقدر شانس دارند، به نظر من شانس زیادی ندارند. بخصوص با تحولاتی که در ایران امروز شاهد هستیم اپوزیسیونی که روی نیروی مردم حساب نکنند، روی اعتراضات و مبارزات وسیعی که در جامعه هست حساب نکنند و یا بخواهد به نحوی آترا کانالیزه کند در خدمت مهندسی قدرت از بالا، چنین نیرویی به نظر من کلاهش پس معرکه است و در فضای سیاسی ای که بوجود آمده و در آتیه ایران جایی نخواهد داشت. به این معنی به نظر من نیروهای اپوزیسیون راست امید عبثی دارند به اینکه با این نوع سیاستهای ترامپ میتوانند موقعیتی در جامعه پیدا کنند.

خلیل گوان: همانطور که گفتید رژیم پنج اساساً با حمله نظامی امکان پذیر است. این چه نوع رژیم چنچی هست که نیروهای راست خواهان آن هستند و در عین حال با حمله نظامی هم مخالفت میکنند؟ آیا این نوعی تناقض نیست؟

حمید تقوائی: اگر بخواهد عملاً اتفاقی از بالای سر مردم بیفتد و حکومت تغییر کند باید با کودتا و حمله نظامی همراه باشد و گرنه با تحریم اقتصادی و یا فشارهای دیپلماتیک چنین امری ممکن نیست. بعد از جنگ خلیج دولت

صدام بیش از ده سال تحت شدیدترین تحریمها بود و بالاخره دولت آمریکا با یورش نظامی در سال ۲۰۰۳ رژیم صدام را ساقط کرد. بنابراین با توجه به اینکه از لحاظ عملی حمله نظامی در دوره حاضر در دستور کار دولت آمریکا نیست و نمیتواند باشد رژیم چنچ منتفی است.

منظور نیروهای راست از رژیم چنچ اینست که دولت آمریکا یکی از آنها - حالا یا مجاهدین و یا رضا پهلوی و طرفدارانش - را انتخاب کند و صریح و آشکارا و مستقیماً از آنها حمایت کند. فکر میکنند با جلب چنین حمایتی شانس این را دارند که بقلرت برسند. خواهان آن هستند که فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی به جمهوری اسلامی تشدید بشود و نهایتاً اینها بعنوان آلترناتیوی که آمریکا بعد از جمهوری اسلامی روی آنها حساب میکند برگزیده بشوند. اما مشکل این نیروها اینست که همانطور که گفتم بعد از جنگ عراق هیات حاکمه آمریکا با رژیم چنچ میانه ای ندارد. در رابطه با ایران هم مشخصاً سیاست آمریکا حتی در دوره قلدری نظامی اش اعمال فشار به حکومت ایران بود و نه تغییر آن.

حملات لفظی ترامپ به جمهوری اسلامی که رژیم را دزد و دروغگو میخواند و یا حملاتی که به سپاه پاسداران کرده است را باید در این چهارچوب دید. در شرایطی مانند جامعه امروز ایران که مردم وسیعاً به اعتراض برخاسته اند این نوع موضعگیریها از نظر سیاسی وزن تعیین کننده ای ندارد. البته مخالفت دولت آمریکا و یا هر دولت دیگری با جمهوری اسلامی و حمایت هر چند لفظی آنها از مردم بهتر از حمایت آنها از جمهوری اسلامی است. مردم ترجیح میدهند دولتها علیه جمهوری اسلامی باشند تا مثل روسیه و چین حامی و مدافع آن. ولی آنچه بویژه در شرایط فعلی به فضای سیاسی جامعه شکل میدهد خیابان است و نه کربلورهای قدرت و لابی ایسم و دیپلماسی. اگر جامعه در شرایط نسبتاً آرام و سرخورده ای نظیر ماههای بعد از سرکوب ۸۸، به سر میبرد میشد گفت که مواضع و سیاستهای دولت آمریکا در رابطه با جمهوری اسلامی يك فاکتور

سیاسی است که میتواند معادلات و شرایط سیاسی در ایران را تغییر بدهد. ولی در شرایط حاضر چنین نیست. حتی بعکس، روابط میان بالائی‌ها از مبارزات مردم تاثیر میپذیرد و عکس العملی نسبت به آن است. این تاثیرات را امروز هم در روابط میان جناحهای حکومتی بروشنی میتوان دید و هم در برخورد دولتها به جمهوری اسلامی. در این شرایط حساب باز کردن نیروهای راست روی مهندسی قدرت از بالا از هر زمان دیگری بی پایه تر و بی ربط تر به شرایط واقعی سیاسی است.

خلیل گوان: اشاره کردید که حمله نظامی منتفی است و یا احتمالش بسیار کم است. ولی فرض محال نیست. با فرض اینکه چنین حمله ای از جانب دولت آمریکا و یا اسرائیل به نیابت آمریکا صورت بگیرد چه باید کرد؟ سیاست حزب کمونیست کارگری ایران در چنین شرایطی چیست؟

حمید تقوائی: ما قبلاً، در زمانی که گفتمان رژیم چنچ و احتمال حمله نظامی بیشتر مطرح بود، موضع حزب را صریحاً اعلام کردیم و هنوز هم موضعمان همان است: ما در هر شرایطی از جمله در شرایط حمله نظامی و وضعیت جنگی تلاش خواهیم کرد جمهوری اسلامی را بقدرت مبارزات مردم سرنگون کنیم. چه حمله نظامی بشود و چه نشود در هر حال جمهوری اسلامی اساس مساله مردم است. حتی اگر هجوم نظامی صورت بگیرد این جمهوری اسلامی است که شرایط پر تنش و فضای جنگی را ایجاد کرده است. حتی برای قطع جنگ باید حکومت را سرنگون کرد.

در صورت حمله نظامی و یا هر نوع دیگر ضربه به حکومت نظیر کودتا ما سعی میکنیم جامعه را بسیج کنیم، توده کارگران و زنان و جوانان را بمیدان بیاوریم و اجازه ندهیم جمهوری اسلامی و یا دولتهائی که به آن حمله کرده اند نقش تعیین کننده ای در سیاست و آینده ایران بازی کنند. ما از شرایط جنگی هم برای سرنگونی جمهوری اسلامی استفاده خواهیم کرد.

نیروهائی هستند که معتقدند در صورت حمله آمریکا باید از رژیم حمایت کرد. نیروهای راست و ناسیونالیست چنین موضعی دارند.

حتی برخی از نیروهای چپ زمانی که گفتمان احتمال حمله نظامی بالا گرفته بود اعلام کرده بودند که در شرایط جنگی باید مقابل آمریکا ایستاد و شعار سرنگونی را کنار گذاشت. این نوع مواضع از برکات جنگ برای جمهوری اسلامی خواهد بود. ما فکر میکنیم برعکس، در شرایط جنگی بحران سیاسی ای در جامعه بمراتب تشدید خواهد شد و نیروهای انقلابی باید از این شرایط برای سازماندهی انقلاب استفاده کنند. راه خاتمه جنگ هم این خواهد بود. به این دلایل تاکید ما در شرایط جنگی هم مبارزه انقلابی برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی است.

خلیل گوان: اجازه بدهید بپردازیم به برجام. خروج آمریکا از برجام فشارهایی را به جمهوری اسلامی وارد میکند. این فشارها از نظر سیاسی و اقتصادی به چه صورت خود را نشان خواهد داد؟

حمید تقوائی: برجام دوجنبه دارد. از نقطه نظر دولت آمریکا و دیگر دول امضا کننده این توافقنامه باید پروژه هسته ای را متوقف کند و به ازای این امر و از نظر جمهوری اسلامی برجام میبایست درها را برای سرمایه گذاری در ایران و بازگشت ایران به بازار جهانی باز کند.

جنبه اول انجام شده اما جنبه دوم پیشرفت چندانی داشته است. بویژه با روی کار آمدن ترامپ و مطرح شدن تحریمهای جدید و احتمال خروج آمریکا از برجام چشم انداز «کشایش اقتصادی» بیش از گذشته کور شده و بزیر سؤال رفته است.

البته برجام معاهده دوطرفه ای نیست، اروپای واحد و چین و روسیه نیز پای این توافقنامه هستند. در حال حاضر اروپای واحد تلاش میکند که آمریکا را وادار کند از این معاهده خارج نشود و اگر هم چنین شد مستقلاً به برجام ادامه بدهد. حتی برای راضی کردن آمریکا اروپای واحد با تحریمهای بیشتر علیه ایران در رابطه با فعالیتهای موشکی و سیاستهای منطقه ای جمهوری اسلامی موافقت کرده است. به این معنی فشارها در هر حال، با یا بدون آمریکا در برجام،

علیه جمهوری اسلامی تشدید خواهد شد.

از نظر سیاسی این یک شکست برای جمهوری اسلامی محسوب میشود. نزدیک به سه سال است از امضای برجام میگذرد و دولت روحانی در این مدت اساساً به برجام و اینکه درها باز میشود و چرخهای اقتصاد براه می افتد و کار ایجاد میشود و غیره متکی بوده و خودش را توجیه کرده است. هیچیک از این وعده‌ها تا کنون عملی نشده و با خروج آمریکا از برجام همه این نوع تبلیغات و توجیهاات بیش از همیشه نقش برآب میشود. حتی اگر اروپای واحد و همچنین چین و روسیه به برجام ادامه دهند هیچیک از آنها نخواهند توانست جای آمریکا را پرکنند. این کشورها حتی نگران این هستند که در صورت خروج آمریکا از برجام روابط اقتصادی شان با ایران با فشارها و مجازاتهای اقتصادی از جانب آمریکا مواجه بشود. از اینرو شرکتها و سرمایه‌گذاران اروپایی هم در رابطه با فعالیت در ایران دست به عصاره تر و محتاط‌تر خواهند شد. مجموع این شرایط به معنی تضعیف سیاسی-اقتصادی هر چه بیشتر جمهوری اسلامی است.

خلیل کیوان: نکته دیگری که مطرح است و بخصوص رسانه‌ها و صاحبان نظر غربی مطرح میکنند اینست که افزایش خصومت آمریکا با جمهوری اسلامی باعث میشود خامنه‌ای و جناح تند رو تر حکومت نسبت به اپوزیسیون و مبارزات مردم و حشیمان‌تر عمل کنند و دست به سرکوب شدید تری بزنند. در این مورد چه فکرمیکنید؟

حمید قنوی: به نظر من چنین نیست. ممکن بود در دوره ای بشود این را گفت ولی در شرایط حاضر همانطور که بالاتر اشاره کردم رابطه با غرب چنین تاثیراتی در صحنه سیاسی ایران نخواهد داشت. اولاً حکومت، کل حکومت و نه فقط خامنه‌ای و جناح اصولگرا، در هر حال تمام تلاشش را برای سرکوب مبارزات مردم بکار میبرد و آنچه بر تند و کند شدن این سرکوب تاثیر میگذارد روند و افت و خیز مبارزات مردم است و نه رابطه رژیم با آمریکا. ثانیاً آن دوره ای که جمهوری اسلامی از تبلیغات ضد آمریکائی توجیهای برای سرکوب میساخت

برای همیشه سپری شده است. امروز قضیه برعکس است. هر چه بیشتر بر طبل ضد آمریکائیگری بکوبید مردم با شعارهایی نظیر "میگن دشمن آمریکاست، دشمن ما همین جاست" جوابش را میدهند. امروز آمریکا ستیزی حکومت در جامعه نتیجه معکوس میدهد و بعنوان نقطه ضعف حکومت دیده میشود.

نقطه ضعف به معنی ناتوانی حکومت از پاسخگویی به مسائل مردم و منتسب کردن اعتراضات ضد حکومتی به دشمن خارجی. همانطور که همه دیکتاتورها در مقابل جامعه‌ای که علیه شان پیا خاسته پای توطئه‌های بیگانگان و دشمنان خارجی را بمیان میکشند. این نوع آمریکا ستیزی حکومت دیگر نشانه قدر قدرتی جنبش اسلام سیاسی در برابر شیطان بزرگ نیست، بلکه تقلاهای یک حکومت مستاصل زیر فشارهای جامعه معترضی است که اعلام کرده "دشمن من همین جاست".

وقتی خامنه‌ای حرکت دختران خیابان انقلاب را حقیر خواند و آنرا به دشمن خارجی و آمریکا نسبت داد این از جانب مردم بدرست نشانه ضعف و زبونی حکومت تعبیر شد و با مضحکه و تمسخر آنان پاسخ گرفت. هشتگ و توفان توییتری "حقیر خودتی" بیانگر این عکس العمل مردم بود.

از نظر عملی هم دست حکومت برای سرکوب باز نیست. همانطور که گفتم جمهوری اسلامی تا آنجا که بتواند میزند و میبندد اما در شرایط حاضر در سرکوب مردم محتاط‌تر شده نه به این خاطر که توجیه و بهانه‌ای ندارد بلکه به این خاطر که میدانند به آتش مبارزات مردم بیشتر دامن خواهد زد. میتوان گفت جامعه از مرز ارباب گذشته است و دستگیریها و بگیر و ببندها کارائی سابق را ندارد و در مواردی نظیر تکثیر دختران انقلاب به عکس خود تبدیل میشود. با توجه به همه این فاکتورها باید گفت بالا گرفتن خصومت میان آمریکا و جمهوری اسلامی از لحاظ داخلی نه تنها امتیاز و نقطه قوتی برای حکومت نیست بلکه بر عکس نقطه ضعف آن است و آنرا بیشتر تضعیف میکند.

نکته آخر اینکه با تشدید کشمکش میان دولت ترامپ و

حکومت اسلامی، رژیم منزوی تر میشود و مردم به این نتیجه میرسند که بقای حکومت باعث میشود تنشها بالا بگیرد و خطر جنگ و آشوبهای منطقه‌ای بیشتر بشود و از اینرو برای مردم و در انتظار جامعه سرنگونی حکومت به امری میرمتر و مطلوبتر از همیشه تبدیل خواهد شد.

خلیل کیوان: با این تفاسیر تاثیر سیاستهای آمریکا بر فضای سیاسی ایران را چگونه می بینید؟ آیا این سیاستها میتواند به نوعی انتظار و امید بستن به بالا در میان مردم را دامن بزند؟

حمید قنوی: ممکن است در یک سطح محدودی چنین تاثیراتی داشته باشد ولی در یک سطح عمومی و در مقیاس کلان چنین نیست. دلیلش اینست که به نظر من بعد از خیزش دیمه فضای سیاسی ایران کاملاً تغییر کرده است. روابط بین آمریکا و جمهوری اسلامی و کلاً مناسبات میان بالائی‌ها، کشمکش میان جناحها، موقعیت منطقه‌ای حکومت و غیره امروز معنا و ثقل کاملاً متفاوتی از شرایط ماقبل خیزش دیمه دارد. وقتی مردم بقدرت خودشان واقف شدند و عزم جزم کردند که حکومت را بزیر بکشند و شعار جمهوری اسلامی نمیکشیم در پیش از نود شهر طنین انداز میشود و این جنبش همچنان در اشکال و عرصه‌های مختلف در حال پیشروی است، در این شرایط خیلی سخت است و تقریباً غیر ممکن است که نیروی از بالای سر مردم آنها را دوباره به خانه بفرستد و به انتظار تحویل و تحولاتی از بالای سر مردم دامن بزند. در شرایط اختناق که جامعه سرخورده شده است مثل ماههای بعد از ۸۸ و یا بعد از دهه شصت ممکن بود چنین گرایشاتی در جامعه پا بگیرد ولی امروز قضیه برعکس است. امروز تا حد زیادی روابط و مناسبات بین بالائی‌ها متأثر از جنبش سرنگونی طلبانه مردم است. نیروی محرکه تعیین کننده جنبش انقلابی است که در جامعه شکل گرفته است. با تمام شعارها و چهره‌ها و نمادهایش، با تجمعات و اعتصابات و مارشهای خیابانی کارگران، با دختران خیابان انقلاب، با شعار نویسی بر دیوارها و با

گفتمانهای تلگرامی رادیکال و ضد حکومتی و با توفانهای توییتری و غیره و غیره. اینها فضای سیاسی ایران را میسازند و در این فضا و در پاسخ به یک جامعه پیا خاسته و معترض است که بالائی‌ها تلاش میکنند به نوعی مردم را کنترل کنند، مردم را منحرف کنند، امید و انتظار و توکل به تحولات از بالا

اطلاعیه شماره ۳

روز سوم جلسه عبدالکریم سروش هم در تورنتو به هم خورد!

روز چهارشنبه ۲۸ مارس سومین جلسه سروش که مخفیانه سازماندهی شده بود توسط مخالفین جمهوری اسلامی افشا شد و تظاهراتی در همان محل سازمان داده شد. جلسه روز سوم هم به صحنه افشاگری علیه سروش و سرافکنندگی طرفدارانش تبدیل شد. در جریان این تجمع اعتراضی با یورش یکی از گاردهای لمپن سروش، دو نفر از مخالفین حکومت مجروح میشوند. دقایقی بعد پلیس در محل حضور یافته و مشغول تحقیقات میشود. در بیرون سالن در محوطه پلازای بزرگ به نام اسلامی نمیکشیم در پیش از نود شهر طنین انداز میشود و این جنبش همچنان در اشکال و عرصه‌های مختلف در حال پیشروی است، در این شرایط خیلی سخت است و تقریباً غیر ممکن است که نیروی از بالای سر مردم آنها را دوباره به خانه بفرستد و به انتظار تحویل و تحولاتی از بالای سر مردم دامن بزند. در شرایط اختناق که جامعه سرخورده شده است مثل ماههای بعد از ۸۸ و یا بعد از دهه شصت ممکن بود چنین گرایشاتی در جامعه پا بگیرد ولی امروز قضیه برعکس است. امروز تا حد زیادی روابط و مناسبات بین بالائی‌ها متأثر از جنبش سرنگونی طلبانه مردم است. نیروی محرکه تعیین کننده جنبش انقلابی است که در جامعه شکل گرفته است. با تمام شعارها و چهره‌ها و نمادهایش، با تجمعات و اعتصابات و مارشهای خیابانی کارگران، با دختران خیابان انقلاب، با شعار نویسی بر دیوارها و با

قاضی مرگ جمهوری اسلامی از آلمان است که دو ماه قبل اتفاق افتاد. حتی مخفیگاه‌های قاتلین امروزی و دیروز حکومت هم جای امنی برای آنها نیست. در هر سوراخی باشند بیرونشان میکشیم و رسوایشان میکنیم. لازم به توضیح است که دو جلسه قبلی سروش در روزهای ۲۳ و ۲۴ مارس در تورنتو نیز به صحنه تظاهرات و افشای سروش و جمهوری اسلامی تبدیل شد و در ادامه این اعتراضات مسئولین کتابخانه‌ای که محل را در اختیار سازماندهندگان جلسه سروش قرار داده بودند از سابقه سروش مطلع شدند و در کنار مخالفین قرار گرفته و ادامه جلسات او در کتابخانه را لغو کردند.

ما اعلام میکنیم که امثال سروش که زمانی از ایدئولوگ‌های به اصطلاح انقلاب فرهنگی حکومت و شریک مستقیم سرکوب و قتل دانشجویان بوده است، جایشان پشت میز محاکمه است. ما نه فراموش میکنیم نه می بخشیم. تک تک سران جنایتکار حکومت و قاتلینی که زمانی همکار حکومت بوده اند باید به جرم جنایت علیه مردم به محاکمه کشیده شوند. خارج کشور جای اویش دیروز و امروز جمهوری اسلامی نیست.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- تورنتو
۲۹ مارس ۲۰۱۸

World on Yonge
اعتراض مخالفان و افشاگری علیه جمهوری اسلامی ادامه پیدا میکند و این منطقه به مدت نیم ساعت بسته میشود. خبر همه جا میپیچد و مردمی که از موضوع اطلاع پیدا میکنند، مقابل محل تجمع میایند و فعالین اپوزیسیون آنها را در جریان مواقع قرار میدهند. بدلیل تظاهرات و افشاگری مخالفین و تشنجی که از طرف عوامل سروش ایجاد شد، جلسه بهم خورد و حضور سروش در تورنتو با سرشکستگی او و هوادارانش به پایان رسید.

ما یکبار دیگر اعلام میکنیم که خارج کشور جای امنی نه برای عوامل جمهوری اسلامی است نه کسانی که زمانی در جنایات این حکومت شریک بوده و اکنون بعنوان ژورنالیست و فیلسوف مشغول حمایت از بخش‌هایی از حکومتند. بهم خوردن جلسات سه روزه سروش ادامه فراری دادن آیت الله شاهرودی

در مورد افزایش دستمزد

گفتگوی خلیل کیوان با شهلا دانشفر



خواست مشخص افزایش دستمزدها ۵ میلیون اشاره کردید، اهمیت تعیین یک رقم مشخص در مبارزه برای افزایش دستمزد در ایران چیست؟

شهلا دانشفر: چندین سال است که کارگر در ایران در مبارزه بر سر خواست افزایش دستمزد با حرف روشنی به میدان آمده و رقمی را به عنوان میزان حداقل دستمزد خود اعلام میکند. امسال کارگران با قدرت بیشتر به جلو آمده و خواستار حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان شده اند. کارگر با اعلام این رقم در واقع میگوید دستمزد زیر خط فقر را نمی پذیریم، اقتصاد مقاومتی تان را نمی پذیریم، تعرض به زندگی ام را نمی پذیریم و این قیام کارگر در برابر فقر و فلاکت حاکم و یک اتفاق سیاسی است.

اولین نکته مهم در رابطه با این خواست اینست که اعلام حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان فقط اعلام یک عدد نیست که فرضا هر چه رقم آن بالاتر بود گویی رادیکال تر عمل شده است و یا به عکس هر چه رقمش را پایین تر ببریم، تحقیقش عملی تر خواهد بود. خواست ۵ میلیون حداقل دستمزد، پرچم اعتراض کارگر و در واقع کل جامعه به زندگی زیر خط فقر و جهمی است که جمهوری اسلامی به پا کرده است. بنابراین کسانی که با بحث رقم به تقابل با این جنبش می ایستند عملاً این جنبه تعرضی این جنبش را کمرنگ میکنند.

اهمیت دیگر جنبش بر سر حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان، این ابعاد وسیع اجتماعی آنست. این جنبشی است که مستقیماً به خیزش دیماه مردم علیه فقر ربط دارد. از جمله زیر فشار این جنبش و فضای اعتراض کل جامعه و خیزش دیماه بود که مباحثی از سوی خود

برچیده شدن این فاصله عظیم سطح حقوقها و معیشت مردم در سطح جامعه است. و تا آنجا که به تعیین میزان حداقل دستمزدها برمیگردد، از نظر ما میزان سطح دستمزد کارگر باید با دستاوردهای جنبش کارگری در سطح جهانی و جوامع پیشرفته امروز جهانی تطابق داشته باشد. همچنین میزان حداقل دستمزدها باید متناسب با رشد بارآوری کار افزایش یابد. یعنی با رشد تکنولوژی همانطور که بارآوری کار افزایش یافته و سودآوری سرمایه بیشتر میشود، باید رفاه کارگر و کل جامعه نیز بیشتر شود. بعلاوه، ما میگوییم متناسب با نرخ تورم باید دستمزد افزایش یابد. اما آن نرخ تورمی که کارگر خودش به قدرت تشکلهای بر تعیین میزان آن نظارت دارد. و حقوق هیچکس و هیچ مقام و مسئولی نباید از میانگین حقوق کارگران بالاتر باشد و ما خواستار برچیده شدن حقوقهای نجومی هستیم.

در عین حال دستمزد با تامین اجتماعی کامل میشود. بهداشت و درمان رایگان، تحصیل رایگان، تسهیلات لازم برای تامین مسکن، حق کارگران و کل جامعه است. از جمله بیشتر از ده درصد از دستمزد کارگر نباید صرف مسکن شود و دولت در قبال تامین مسکن برای جامعه مسئول است.

تضمین به کارگرفتن این معیارها در تعیین مزد کارگر و سطح معیشت اینست که اجازه ندهیم دستمزد از بالای سر کارگر تعیین شود. بلکه دستمزد باید بر اساس توافق کارگر با دولت آنها از طریق قراردادهای دسته جمعی تعیین گردد و نمایندگان منتخب مجامع عمومی کارگران طرف حساب چنین مذاکره ای باشند. اینها همه معیارها و شاخص های ما بر سر تعیین میزان حداقل دستمزد کارگران است.

خلیل کیوان: شما در توضیحاتتان در مورد مبارزه بر سر خواست افزایش دستمزدها به

تباهی کشاندن زندگی و معیشت کل جامعه را بیان میکند.

در مقابل کارگران امسال با جنبش قدرتمند حداقل دستمزد ۵ میلیون و با خواست افزایش دستمزدها به بالاتر از رقم خط فقر ۴ میلیونی اعلام شده دولت به میدان آمدند. از جمله ۹ تشکل کارگری چون انجمن صنفی برق و فلز کرمانشاه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری و اتحادیه نقاشان استان البرز در یک بیانیه و کارگران سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه و گروه اتحاد بازنشستگان در بیانیه مشترک دیگری بر این خواست تاکید کردند. یک بند قطعنامه بازنشستگان در تجمع اعتراضی سوم اسفند آنان در مقابل مجلس نیز به این خواست اختصاص داشت. همچنین در حرکتی بیسابقه ۷۰ انجمن و کانون صنفی کارگران ساختمانی طی بیانیه ای "تحت عنوان ما به دستمزدهای زیر خط فقر تن نماندیم" خواستار افزایش حقوقها به بالای رقم ۴ میلیون شدند و شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان نیز قبل از آن بیانیه ای با همین مضمون داده بود. این در حالیست که شعار خط فقر ۵ میلیون، حقوق ما یک میلیون یک شعار مهم اعتراضی تجمعات هزاران نفره بازنشستگان و معلمان در مقابل مجلس بود.

با اعلام رقم حداقل دستمزد ۵ میلیون و با شعارهای اعتراضی ای که در مبارزات کارگری هر روزه سر داده میشود، در واقع کارگر، بازنشسته، معلم و اساساً ۹۹ درصدی های جامعه به پا خاسته اند و میگویند ما دیگر زندگی زیر خط فقر را قبول نداریم. و نه تنها این، بلکه به حقوقهای نجومی و این تبعیض آشکار طبقاتی اعتراض داریم.

خلاصه کلام اینکه شاخص کارگران برای سطح دستمزد رفاه و داشتن یک زندگی انسانی است.

به این اعتبار اعتراض کارگر و جامعه به فاصله عمیق طبقاتی بین حقوقهای نجومی و فلاکت عمومی در جامعه است. و این اعتراضی اجتماعی است که در شعارهای اعتراضی کارگران، معلمان، بازنشستگان و بخش های عظیم جامعه به روشنی بیان میشود. خیزش انقلابی مردم در دیماه نیز با اعتراض به کل این بساط فقر، بیکاری و دزدسالاری حکومت به راه افتاد و امروز عمق آنرا در شعارهای اعتراضی کارگران در مبارزات هر روزه شان می بینیم. بنابراین کارگران با اعتراضاتشان دارند کل بساط توحش سرمایه داری حاکم را به چالش میکشند و در این مبارزات انتظارات خود را از سطح معیشتشان بیان میکنند.

نگاهی به این دو جبهه جدال بر سر میزان حداقل دستمزد در ایران تصویر روشنی از معیار تعیین حداقل دستمزدها بدست میدهد.

از جمله امسال نیز بر مبنای تصمیم شورای عالی کار میزان حداقل دستمزدها به رقمی حدود یک میلیون و صد و شانزده هزار تومان رسید. این درحالیست که دو سال پیش بنا بر آمارهای رسمی اعلام شده دولت، خط فقر ۴ میلیون اعلام شده بود. و برای زمینیه چینی تحمیل دستمزدهای چند بار زیر خط فقر برای سال ۹۷، بانک مرکزی در دی ماه نرخ تورم را که به اصطلاح مبنایی برای در نظر گرفتن میزان حداقل دستمزدهاست ده درصد اعلام کرد. «میدری» معاون وزیر

کار، طی سخنانی با روزنامه اعتماد با ابداع احقانه ای بحث "خط فقر ملی" را به میان آورد و رقم آنرا هفتصد هزار تومان اعلام کرد. شوری عالی کار نیز با وجود رشد سرسام آور قیمت ها، نرخ خط فقر را دو میلیون و چهارصد هزار تومان یعنی نصف رقم اعلام شده دو سال قبلشان اعلام کرد. اینها همه شاخص ها و معیارهای حاکمیت جمهوری اسلامی در برخورد به میزان حداقل دستمزد کارگران و به

خلیل کیوان: در جدال دولت و سرمایه داران از یک سو، و مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد از سوی دیگر، تعیین یک رقم بعنوان حداقل دستمزد بر اساس چه معیارهایی تعیین می شود؟

شهلا دانشفر: معیار سرمایه داران و دولت حامی آن برای تعیین میزان دستمزدها سود است. معیار کارگران رفاه و حق برخورداری از یک زندگی شایسته انسان است. تلاش سرمایه داری همواره بر مستمند کردن بیشتر کارگران و کل جامعه است و تلاش کارگران برای بهبود دائمی زندگی شان و ایستادن در برابر تعرضات هر روزه سرمایه داری به زندگی و معیشتشان است. به این اعتبار جدال بر سر میزان حداقل دستمزد یک موضوع دائمی جدال کارگران با سرمایه داران است.

در جمهوری اسلامی به عنوان یکی از وحشی ترین حکومت های سرمایه داری، دیگر بحث از سودجویی فراتر رفته است. بحث بر سر چپاول و غارت جامعه است. بحث بر سر دستمزدهای چند بار زیر خط فقر و حتی سرقت همین دستمزدها و بالا کشیدن آنست. معیارهای حکومتیان بر سر میزان حداقل دستمزدها نیز حول خط فقر، خط بقا و رساندن زندگی کارگران و سطح زندگی مردم در سطح جامعه به تباهی و محرومیت مطلق می چرخد. و هر سال تحت عنوانی چون وضعیت اقتصادی بد کشور، مصلحت نظام، تحریم ها و خطر جنگ و غیره و غیره که هیچ ربطی به دستمزد کارگر ندارد، رژیم کوشیده است همواره بار بحرانهایش را بر دوش کارگران و کل جامعه خراب کند و زندگی و معیشت کل کارگران را مورد تعرض و چپاول قرار دهد.

در برابر این شرایط جامعه ایستاده و علیه کل این بساط توحش و بربریت قد علم کرده است. و نه تنها این، بلکه امروز در ایران کارگران در کنار خواست افزایش حداقل دستمزد، خواست برچیده شدن حقوقهای نجومی را طرح میکنند.

حکومتیان بر سر نرخ تورم، خط فقر ملی و خزعبلائی از این دست طرح میشد عقب زده شد و شورایی عالی کار بر رقم یک میلیون و صد و شانزده هزار تومان به عنوان میزان حداقل دستمزد که بازم رقمی زیر خط فقر است، به اجماع رسید. این تصمیم را گرفتند اما جرات اعلام رسمی این رقم به صورت بخشنامه را هم ندارند و انحام آنرا به بعد موکول کرده اند. دلیلش نیز به سادگی اینست که خود را در برابر جنبش قدرتمند کارگران با خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون می بینند که در برابر این تصمیم خواهد ایستاد.

نکته قابل توجه و مهم دیگر در تعیین رقم مشخص در مبارزه برای افزایش دستمزدها، ایستادن کارگران در برابر این بساط بردگی و تعیین مزد از بالای سر آنهاست. کارگران با این کار خود در واقع دارند اعلام میکنند که شورایی عالی کار و کل این بساط سه جانبه گری مسخره ای که هر ساله به پا میشود را قبول ندارد. و اکنون که از حق نمایندگی در مراجع تعیین حداقل دستمزد از طریق نمایندگان منتخب مجامع عمومی خود و قراردادهای دسته جمعی شان محرومند، خودشان به میدان آمده و برای آن رقم میدهند.

اما حالا که به سوال شما پاسخ دادم، اجازه بدهید که اشاره ای هم به نوشته ای که در شماره قبل انترناسیونال (انترناسیونال ۷۵۶) تحت عنوان "در باره افزایش دستمزد" درج شده بود، داشته باشم. چون به این بحث کاملا مربوط است. نوشته میتوان گفت از مبانی ای درست شروع میشود، اما وقتی به مسال مشخص تعیین میزان حداقل دستمزد میرسد، راه خود را گم میکند. از جمله در آن نوشته به خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان اشاره ای کنرا میشود، بدون اینکه در مورد جایگاه و اهمیت سیاسی جنبش برای این خواست که قدرتمند به جلو میروند توضیحی بدهد و کارگران و کل جامعه را به حمایت از آن فراخواند. و نه تنها این، بلکه این نوشته با کشیدن بحث بر سر اینکه خواست کارگر باید خط رفاه باشد و نه خط فقر عملا زاویه ای تقادانه به طرح خواست ۵ میلیون از سوی کارگران پیدا میکند. و حتی

میگوید تعیین حداقل دستمزد بر مبنای خط فقر ضد انسانی است و باید در هم کوبیده شود و امثال اینها. تشکیلهای کارگری ای که میزان ۵ میلیون را مطرح کرده اند همه به خط فقر استناد کرده اند که خود حکومت مطرح کرده است. این یعنی پنج برابر شدن حداقل دستمزد. یعنی ۵۰۰ درصد افزایش دستمزد. بر اساس چه منطقی میتوان گفت این ضد انسانی است؟ به صرف اینکه با استناد به خط فقر این خواست مطرح شده نمیتوان حتی یک نفر را به این بحث قانع کرد. و بعلاوه این نحوه بحث زیرآب بحث درست ما در زمینه رفاه را هم میزند. علاوه بر اینها در این نوشته شوراهای اسلامی در کنار سندیکالیستها قرار داده شده اند و بعنوان مدافعان تعیین دستمزد بر اساس خط فقر مطرح شده اند که اینهم غیر واقعی و نادرست است. قرار دادن شوراهای اسلامی یعنی ارگانهای جاسوسی حکومت در ردیف سندیکالیستها یک آوانس به نیروهای مزدور و مرتجع حکومتی است. سندیکالیستها راست هستند اما از نظر سیاسی صد بار بر شوراهای اسلامی شرف دارند و نباید اینها را یکی کرد. در این نوشته این آوانس به شوراهای اسلامی داده شده است که نادرست است. نهایتا در این نوشته به کارگران فراخوان داده میشود که بروند از اول عدد بدهند و برای آن مبارزه کنند. یعنی کل کاری که توسط همه تشکیلهای کارگری شده و حرکتی که در میان کارگران در جریان است و حزب از آن رسما و فعالانه حمایت میکنند عملا دور زده میشود.

خلیل کیوان: می گویند ۵ میلیون خط فقر است و لذا حداقل دستمزد نباید کمتر از آن باشد. برخی استدلال می کنند خط فقر نباید معیار قرار گیرد بلکه خط رفاه باید معیار باشد و حداقل دستمزد بر آن اساس باید تعیین شود. در مورد تعیین حداقل دستمزد بر اساس خط رفاه چه فکر میکنید؟

شهلا دانشفرو: وقتی در جواب عدد و رقم دادن میزان دستمزد کسی بگوید من میگویم "خط رفاه" باید گفت سوراخ دعا را گم کرده است. آیا خط رفاه جایی اعلام شده است که من و شما این را بعنوان یک

معیار برای جدال انتخاب کنیم؟ اگر به کارگر بگویید برو برای خط رفاه مبارزه کن میگوید این خط رفاه کجاست؟ چقدر است؟ ۵ میلیون تومان؟ پنجاه میلیون تومان؟ صد میلیون تومان؟ و چه کسی آنرا تعیین کرده؟ گیج میشود و حق دارد گیج شود. چون خود بحث گیج است. این عبارت را ما در برابر خط فقر بکار برده ایم تا بگوییم چرا فقر چرا رفاه نه. و این بحث درستی برای بالا بردن انتظار کارگران است. اما بعنوان معیار و شاخص تعیین دستمزد بهیچوجه معنی روشنی ندارد. و زیرآب مبارزه برای دستمزد را میزند.

اعلام رقم ۵ میلیون به عنوان حداقل میزان دستمزدها، اعلام یک رقم دلخواهی نیست که سوال ما این باشد که چرا خط رفاه مبنا قرار نگیرد. بطور واقعی نیز وقتی کارگر میگوید که اگر خط فقر ۵ میلیون است، دستمزد من نباید کمتر از این رقم باشد، معنایش این نیست که انتخاب او خط فقر است. بلکه بر عکس کارگر با اعلام این خواست دارد اعتراض را به زندگی زیر خط فقر و تحمیل دستمزدهای یک پنجم زیر خط فقر بیان میکند. و این اعتراضی است که مبنایی برای اتحاد کارگران بدست میدهد و مستقیما کل حاکمیت را به چالش میکشد.

اگر چه جامعه از این فراتر رفته است و امروز کارگران نه تنها از خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون سخن میگویند، بلکه به حقوق های نجومی و کل بساط زدوی و چپاول حاکم اعتراض دارند.

خلیل کیوان: در حال حاضر بسیاری از واحدها برای دریافت دستمزدهای معوقه مبارزه می کنند. چگونه می شود مبارزه برای افزایش دستمزد را در دستور گذاشت وقتی هنوز در سطح وسیعی دستمزدهای فعلی هم پرداخت نمی شود؟

شهلا دانشفرو: ببینید مبارزه برای دستمزدهای پرداخت نشده، یک مبارزه دفاعی نیست که از آن این نتیجه را بگیریم پس چگونه میشود سطح دستمزدها را افزایش داد. مساله دستمزدهای معوقه اساسا مربوط به بخش مهمی از بساط دزدسالاری سرمایه داری حاکم

است. از همین رو مبارزه علیه دستمزدهای معوقه بعنوان یک عرصه دائمی اعتراضات کارگری هر روزه دارد کل بساط سرمایه داری حاکم را به چالش میکشد. از همین رو وقتی به این اعتراضات نگاه میکنیم می بینیم کارگران در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهایشان به میدان می آیند و شعارهایی چون یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه، سفره ما خالیه، یز شما عالییه، تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم را سر میدهند. همچنین این اعتراضات در اشکالی هر روز تعرضی تر چون عمل مستقیم کارگری و مارش در خیابان و گرفتن جلوی خروج تولید و در بخش هایی بصورت اعتراضات سراسری دارد خود را بیان میکند. اشکالی که انعکاس دهنده فضای انقلابی جامعه است. بطوریکه این مبارزات با چنان قدرتی به جلو میروند که بطور واقعی فضای سیاسی شهرها را دگرگون کرده است. نمونه هایش را در مبارزات قدرتمند کارگران هیکو و آذر آب در اراک و گروه ملی فولاد در اهواز و نیشکر هفت تپه می بینیم.

میخواهم این نتیجه را بگیرم که اتفاقا این مبارزات خود با قدرتی که به پیش میروند میتوانند به مبارزه برای خواست افزایش دستمزد نیز قدرت بیشتری بدهند و کارگران را در موقعیت قویتر و متحد تری برای خواست افزایش دستمزدها ۵ میلیون تومان قرار دهند. به نظر من وقتی که هزاران کارگر گروه ملی همرا با خانواده هایشان در اعتراض به دستمزدهای معوقه خود به خیابان می آیند و مارش میروند میتوانند در همان تجمعات پرچم خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان را نیز بدست گیرند.

خلیل کیوان: برخی متخصصین اقتصادی، دولت و سرمایه داران می گویند سرمایه داری ایران توان افزایش دستمزد تا سطح ۵ میلیون و حتی تا ۳ و ۴ میلیون را هم ندارد. در این مورد شما چه می گویند؟

شهلا دانشفرو: داشتن یک زندگی انسانی حق کارگران و همه مردم است و برای اعلام خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان، کارگر کاری به مقننات حکومت ندارد و

نباید داشته باشد. و گر نه اگر بحث بر سر مقننات اقتصاد جمهوری باشد، رقم میزان حداقل دستمزد کارگران عملا نباید از رقمی که شورایی عالی کار اعلام میکند، بالاتر باشد و کارگر محکوم به تباہ شدن در چنگال فقر و فلاکت هر روز بیشتر است. اگر چه حتی همین سطح از حداقل دستمزد را نیز شورایی عالی کار زیر فشار جنبش اعتراضی کارگری تعیین کرده است. اجازه بدهید کمی بیشتر توضیح دهم.

ببینید دستمزد پولی است که در قبال فروش نیروی کار به کارگر داده میشود. بنابراین اینکه حکومت توان افزایش دستمزدها تا سطح ۵ میلیون تومان را ندارد، اینکه رژیم بحران دارد یا ندارد، اینکه تولید ناخالص ملی زیاد است یا کم است، اینکه بهروری تولید چقدر بوده است و... ربطی به مزد کارگر ندارد. و باید میزان حداقل دستمزدها را از همه این مولفه ها منفک کرد. به همین دلیل روشن باید مرتبط کردن دریافتی کارگران به شرایط و فاکتورهایی جز نفس انجام کار (تظیر افزایش تولید، بارآوری، انضباط، حد نصاب تولید و غیره) اساسا ممنوع باشد.

همیشه در جوامع سرمایه داری سعی شده است، رابطه مزد و کار کارگر را با همین دست از استدلالات مخوش کنند. بویژه در عمل نیز آنچنان فاصله فاحشی بین مزدی که در توازن قوای معینی به کارگر داده میشود، با دستمزدی که باید هزینه تولید و بازتولید و تداوم آنرا تامین کند بوجود آمده است که عملا کل رابطه مزد با کاری که کارگر انجام میدهد به فراموشی سپرده شده و همواره تلاش میشود که مولفه هایی بیرون از این رابطه از نوع استدلالاتی که اشاره کردم عنوان گردد تا به زندگی و معیشت کارگر حمله شود. از جمله جمهوری اسلامی سی و چند سال است با همین نوع بهانه ها بار بحران را به دوش کارگران و مردم انداخته و زندگی و معیشت کل جامعه را به تباہی کشیده است. این استدلال که جمهوری اسلامی توان پرداخت حداقل دستمزد ۵ میلیون را ندارد، نمونه دیگری از همین نو تلاشهاست که از اساس غلط و بی پایه است.

این استدلالات چیزی جز توجیه تعرض بیشتر حکومت به زندگی کارگران و کل جامعه نیست. این استدلالات از سوی گرایش‌های راست در مقابل جنبش برای خواست افزایش دستمزدها گذاشته می‌شود تا در صفوف آن تفرقه و شکاف ایجاد کند.

بعلاوه همه میدانیم که اقتصاد رژیم اسلامی بحرانی و به بن بست‌ی کامل رسیده است. اما با همین اقتصاد به گل نشسته میلیارد‌ها پول صرف ماشین‌های سرکوب و جنایت حکومت، صرف حقوق‌های نجومی و دزدی‌های میلیاردی‌شان، صرف دستگاه صنعت مذهب و سیاست‌های تروریستی حکومت اسلامی در منطقه و صرف کل بساط رانت خواری و چپاول و غارت‌شان می‌شود. اما وقتی بحث بر سر میزان حداقل دستمزدهاست هوارشان بر سر وضعیت بد اقتصادی بلند است.

جمهوری اسلامی سی و چند سال است با همین نوع استدلالات بار بران‌شان را به دوش کارگران و مردم انداخته و زندگی و معیشت کل جامعه را هر روز بیشتر به تباهی کشانده است. و بعضاً کسانی هم پیدا می‌شوند که بعنوان متخصص اقتصادی و گاه در پوشش دفاع از حق کارگران با همین نوع استدلالات به میدان می‌آیند و با جنبش بر سر خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان مخالفت خوانی می‌کنند. اینان نیز عملاً کنار همان سیاست ریاضت اقتصادی حکومت ایستاده و توجیه‌گر وضع موجودند. اینان کسانی هستند که عملاً در جهت تداوم وضع فلاکت‌بار موجود حرکت کرده و در مقابل جنبش اعتراضی کارگری قرار دارند.

اما امروز کارگران با اعلام خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان در مقابل کل بساط دزدسالاری سرمایه‌داری حاکم ایستاده‌اند. و پاسخ ما به مباحثی از این دست اینست که کارگر حق زندگی و رفاه دارد. اگر اقتصادشان به گل نشسته است، به کارگر ربطی ندارد. اگر تولید برای سرمایه‌دار سود آورد نیست، برود گورش را کم کند، ما خودمان جامعه را بدست خواهیم گرفت و کل جامعه از رفاه و زندگی‌ای شاد و انسانی برخوردار خواهد شد.

امروز ما وظیفه داریم که وسیع‌ترین حمایت خود را از جنبش اعتراضی کارگری با خواست ۵ میلیون تومان اعلام کنیم و با نقد گرایش‌های راست اجازه ندهیم که مانع پیشروی‌های این جنبش باشند.

خلیل کیوان: نظر دیگری هست که می‌گوید کارگران ثروت جامعه را تولید می‌کنند و حق دارند از نعم مادی که محصول کار خودشان هست بهره برده و یک زندگی با بالاترین نرم‌ها را داشته باشند. اصولاً تقسیم جامعه به طبقات و استثمار شونده و استثمار کننده را بر نمی‌تابند. این استدلال و این مطالبه در گیر و دار مبارزه برای افزایش دستمزد کمکی به پیروزی کارگران در نبرد برای افزایش دستمزد را دارد؟

شهلا دانشفور: به نظر من این گفت‌وگو محدود به نظریه این فرد و آن فرد نیست. بلکه نشانه‌های بارز عروج چپ در راس جنبش کارگری و جنبش‌های اعتراضی جامعه است. به عبارت روشن‌تر همین توقع و انتظار است که پایه‌های جنبش علیه زندگی خط‌فقر را ساخته است. با عروج هر روز بیشتر این نوع گفت‌وگوها امروز کارگر حق به جانب تر و قدرتمند تر به جلو آمده و می‌گوید دیگر فقر را نمی‌پذیرد، دیگر به این فلاکت و بردگی تن نمی‌دهد و اگر خط فقر ۵ میلیون است باید دستمزد او نیز در اولین قدم بالاتر از ۵ میلیون باشد. از جمله به اعتراضات کارگری نگاه کنید. کارگری که دستمزدش را نگرفته است به خیابان می‌آید و با سر دادن سرود آزادی؛ زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی، اولتیماتومش را میدهد. و یا کارگری که به بی‌مسکنی خود اعتراض دارد، با شعار: ملک نجومی تو، ما را بی‌مسکن کرده، به خیابان آمده و اعتراضش را به این شکاف عمیق طبقاتی در جامعه اعلام می‌کند. و یا کارگر با شعارهایی چون؛ حقوق‌های نجومی، فلاکت عمومی، اختلاسها کم بشه مشکل ما حل میشه، اعتراضش را به کل بساط توحش سرمایه‌داری حاکم اعلام کرده و در واقع سوسیالیسم را فریاد می‌زند.

بدین ترتیب این جامعه ایست که در آن آشکارا و هر روزه تبعیض و

نابرابری و اختلاف فاحش طبقاتی سرمایه‌داری حاکم دارد به چالش کشیده می‌شود. و جنبش کارگری در پیشاپیش آن حرکت می‌کند. در چنین شرایطی جنبش کارگری در مبارزه برای خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان در موقعیت قدرتمند تری قرار می‌گیرد و رشد بی‌سابقه این جنبش در سال جاری را نیز باید در بستر همین اوضاع دید.

خلیل کیوان: شورایی‌عالی کار حداقل دستمزد را یک میلیون و صد و شانزده هزار تومان تعیین کرده است، اگرچه هنوز رسماً اعلام نشده است. این رقم با رقم ۵ میلیون که شکل‌های کارگری تعیین کرده‌اند فاصله زیادی دارد. عکس العمل کارگران به رقم یک میلیون و صد و شانزده هزار تومان چه خواهد بود؟

شهلا دانشفور: بدون شک این تصمیم شورایی‌عالی کار با عکس العمل اعتراضی گسترده کارگران پاسخ داده خواهد شد و روشن است که کارگران به این بردگی تن نخواهند داد. و در واقع کارگران با اعلام خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون و با خواست برچیده شدن حقوق‌های نجومی اعتراض خود را از قبل اعلام کرده‌اند.

خصوصاً بعد از خیزش دیماه کل جامعه علیه فقر، گرانی و کل بساط تبعیض و نابرابری حکومت اسلامی قرار گرفته است. جنبش کارگری هم در موقعیت کاملاً متفاوتی قرار گرفته و با قدرت به جلو آمده است. بنابراین به نظر من سال جاری سال اعتراضات گسترده کارگری علیه فقر و علیه کل بساط

دزدسالاری سرمایه‌داری حاکم خواهد بود. سالی است که نوید رهایی کل جامعه را از شر جهنم جمهوری اسلامی می‌دهد. در متن این اوضاع یکی از جنبش‌های قدرتمند در سال جاری مبارزه علیه دستمزد مصوب دولت و برای خواست حداقل دستمزدها ۵ میلیون به عنوان پرچم اعتراض کارگران به زندگی زیر خط فقر خواهد بود.

خلیل کیوان: امسال تشکل‌های کارگری بیشتری هم‌صدا و هماهنگ خواهان افزایش دستمزد تا سطح ۵ میلیون و بعضاً خواهان بیش از ۴ میلیون که در واقع همان رقم ۵ میلیون با بیانی دیگر است، شدند. بنظر شما امکان بسیج و سازماندهی بخش‌های وسیع‌تری از طبقه کارگر و مزدبگیران در عرصه مبارزه برای افزایش دستمزد که مبارزه علیه فقر نیز هست، ممکن شده است؟ آیا وقت آن نرسیده است که برای سازماندهی توده‌ای و سراسری برای افزایش دستمزد با خواست ۵ میلیون متمرکز شد؟

شهلا دانشفور: قطعاً می‌شود این کار را کرد و باید بسوی آن خیز برداشت. همانطور که شما نیز در سؤالاتان به آن اشاره کرده‌اید، جنبش علیه حقوق‌های زیر خط فقر با خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون، جنبشی است جاری که تا هم اکنون دامنه گسترده‌ای پیدا کرده است. بویژه یک پای مهم جنبش برای خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان بازنشستگان و معلمان هستند و همانطور که اشاره کردم آنها بارها در جمع‌اتشان با شعار

خط فقر ۵ میلیون، حقوق ما یک میلیون این خواست را اعلام کرده‌اند. نکته جالب توجه اینست که مبارزات این بخش از کارگران برای پیگیری خواست‌هایشان تداوم دارد و بطور مثال بازنشستگان در آخرین جمع‌اتشان در پایان سال گذشته با شعار اگر پاسخ نگیریم، دوباره بر می‌گردیم، قرار و مدار ادامه جمع‌اتشان را گذاشتند. معلمان نیز در پیام نوروزی‌شان اعتراض خود را به حقوق‌های زیر خط فقر اعلام کردند. اینها همه بستر مناسبی برای رفتن بسوی اعتراضات گسترده و توده‌ای با خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون را فراهم می‌کند.

خصوصاً در متن جنبش پر تلاطم کارگری و فضای اعتراضی کل جامعه زمینه برای سازماندهی این حرکت اعتراضی هر روز بیشتر می‌شود.

امروز میتوان با خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان به تدارک وسیع‌ترین تجمعات اعتراضی کارگری رفت. میتوان این خواست را به موضوع مهم اعتراضات کارگری در سطحی سراسری تبدیل کرد و اعتصابات گسترده حول آن شکل داد. و از نظر من خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان، میتواند خواست متحد کننده صف میلیونی کارگران و خانواده‌هایشان و پرچم اول ماه مه، روز جهانی کارگر باشد. با این چشم‌انداز باید صف این جنبش را در ابعاد اجتماعی و سراسری سازمان دهیم و با تمام قوا برای آن تلاش کنیم.

یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته‌ترین جوامع باید برای همه شهروندان در ایران تضمین شود. حداقل دستمزد باید بر مبنای این استانداردها افزایش پیدا کند و بیمه بیکاری مکفی برای همه بیکاران و افراد آماده به کار تامین شود. طب و بهداشت و تحصیل باید فوراً برای همگان رایگان شود.

متن سخنرانی مینا احدی در مورد نژادپرستی در پارلمان آلمان



دفاع از دختران خیابان انقلاب و نقد سیاست مداخلات دولت آلمان با جنبش اسلامی!

روز چهارشنبه ۲۱ ماه مارس به دعوت کمیسیون بررسی قانون اساسی و پیشبرد قوانین در بیست و دومین نشست این کمیسیون، سه کارشناس دعوت شده بودند تا در روز جهانی علیه تبعیض و راسیسم، در مورد راسیسم و حملات راسیستی در پارلمان آلمان در شهر برلین گفتگو کنند و سیاست مورد نظر خود را برای نمایندگان پارلمان توضیح دهند. در این نشست که به دعوت سه حزب سوسیال دموکرات و حزب سبز و چپ آلمان سازمان یافته بود نمایندگانی از همه احزاب سیاسی در قدرت و اپوزیسیون و نمایندگان پارلمان شرکت کردند و در یک بحث و گفت و شنود دو ساعته از کارشناسان سوال کرده و پاسخ شنیدند. از جمله این سه کارشناس مینا احدی فعال سرشناس مدافع حقوق انسانی از ایران بود که اولین سخنران این مجمع بود.

راسیسم اسلامی و راسیسم نژادپرستانه دو روی یک سکه هستند!

خانمها و آقایان محترم! ما همه نگران رشد حملات راسیستی و حمله علیه یهودیان در آلمان هستیم. چرا که این حملات نه فقط اتفاقات وحشتناک روزانه ای هستند که تأثیرات مخرب روحی و جسمی برای قربانیان در پی دارند، در عین حال اینها بیانگر یک واقعیت تلخ در جامعه آلمان هستند. نفرت پراکنی علیه تعداد زیادی از مردم و آلوده کردن فضا بر علیه گروههایی از مردم امری گسترده و اجتماعی شده است. در چنین شرایطی ما شاهدیم که در برلین چگونه سازمانهای دست راستی علیه پناهندگان فضا سازی میکنند و چگونه سازمانهای اسلامی با براه انداختن راهپیمایی روز جهانی قدس در روز روشن در

خیابان فریاد نابودی اسرائیل را سر داده و علیه یهودیان شعار میدهند. علیرغم تمام تلاشهای چند ساله اخیر برای یک زندگی توأم با صلح آزادی و آرامش و رفاه ما هنوز راه درازی در پیش داریم و مشکلات فراوان جلوی راه ما است. سوال اصلی اینست چرا چنین است و ما چه باید بکنیم؟

یک نکته محوری در پاسخ دادن به این سوال از نظر من رابطه غلط دولت آلمان با جریانات اسلامی و با جنبش اسلام سیاسی است. این جنبش توانسته در آلمان جایگاهی پیدا کند و توجه ها را بخود جلب کند. این جنبش اما متأسفانه از طرف سیاست رسمی بی ضرر جلوه داده شده و حتی با احترام کامل با آن روبرو میشوند. بیش از همه حزب سبز و احزاب چپ سنتی و روشنفکران هستند که هر نوع انتقاد درست به اسلام را بعنوان "اسلاموفوبی" و یا "بیماری اسلام ستیزی" و یا "راسیسم" نامگذاری میکنند و منتقدین و مخالفینی چون من را به بخش راست جامعه منتسب میکنند. آلمان و اروپا نمونه بارز این سیاست غلط است که نقد و درگیر شدن با اسلام سیاسی را به گروههای دست راستی واگذار کرده اند و احزاب دست راستی از این اوضاع نهایت استفاده را کرده و برای خود نیرو جمع میکنند. چرا که نیروهای راسیستی فقط میتوانند با سو استفاده از بسیاری از سوالات بی پاسخ و مشکلات واقعی در جامعه به عنوان تنها نیرویی که "نقد" میکنند و "حرفی برای گفتن دارند" خود را به جامعه بفروشند.

اما یک واقعیت مهم در این کشمکش و جدال لاپوشانی میشود آنهم این است که، راستها و پوپولیستهای دست راستی و رادیکالهای اسلامی بسیار شبیه به هم هستند. آنها هر دو جریاناتی ضد زن، ضد همجنسگرایی، ضد یهود و دیکتاتور منش و در یک کلام ضد انسانی هستند. با تصویر سنتی و مردسالارانه در مورد خانواده، با

مخالفت و ابراز نفرت از یک رابطه جنسی برابر و آزاد و با سیاستهای ارتجاعی اشان در مورد حقوق انسانی، علم و مدرنیته و حقوق پایه ای شهروندان را به سرخه میگیرند. دست راستی ها همان ایده ایی را پیگیری میکنند که اسلامیستها، و همان خوابی را برای جامعه می بینند که اسلامیستها آنها در نقاطی از جهان پیاده کرده اند.

این دو جریان انسان و فرد را به هویت گروهی تقلیل میدهند و بجای اینکه فرد و حقوق فردی شهروندان را فرض گرفته و افراد را با همه تنوع و تفاوتهاشان به رسمیت بشناسند، هر دو این جریانات پرنسپ های پیشرو غربی از این نوع را توهمات و فریبکاری اروپایی نام می نهند.

برای مقابله با این دو خطر یعنی راستهای افراطی نژادپرست و اسلامیستها، ما باید بیش از اینها از پرنسپ های یک جامعه آزاد و باز، از پرنسپ هایی که مردم برای آن مبارزه کرده اند، یعنی آزادی، برابری، حقوق شهروندی، حقوق واقعی انسانی و سکولاریسم دفاع کنیم.

قدم های عملی اینست که ما باید با هر نوع نقض حقوق انسانی تحت هر نام و یا شرایطی مقابله

کنیم. دولت آلمان باید به سیاست مداخلات و کمک به سازمانهای اسلامی نقطه پایانی بگذارد. مقابله با نفوذ و تأثیرات نهادهای مذهبی در آموزش و پرورش در سیستم پزشکی و بهداشت و در مطبوعات و تحقیقات علمی باید بخشی از سیاست دولت باشد.

با مقابله با سازمانهای اسلامی نه فقط ما آنها را به عقب نشینی وادار میکنیم و از حقوق شهروندان دفاع میکنیم بلکه در عین حال باعث میشویم سازمانهای دست راستی و راسیستی نیز در آلمان عقب بروند. فقط با این سیاست میتوانند فرزندان ما بدون نفرت و خشونت در یک جامعه انسانی تر و آرامتر باهم بزرگ شوند و زندگی کنند. فقط با این سیاست میتوانیم در مقابل فاناتیزم و رادیکال شدن و مرتجع شدن افراد متأثر از راسیسم اسلامی و نژادی بایستیم.

من امیدوارم و تلاش میکنم که دولت آلمان بالاخره سیاستش را تغییر بدهد و در مقابل جنبش اسلام سیاسی، یک سیاست درست در پیش بگیرد و با کسانی اعلام همبستگی کند که خود را از جنبه مذهب رها کرده اند. من امیدوارم بویژه مدافعین حقوق انسانی و مدافعین حقوق زنان ببینند که هم

اکنون در ایران زنان علیه حکومت اسلامی و علیه حجاب اجباری مبارزه میکنند و با این مبارزه خطرات زیادی را بجان میخرند. چرا که حجاب یک تکه پارچه بی ضرر نیست و یا یک مدل لباس نیست. بلکه سمبل مردسالاری و فرهنگ ضد زن اسلامی است که اعلام میکند زنان انسانهایی برابر با مردان نیستند. حجاب یک وسیله سیاسی مهم هست برای سرکوب زنان و دخالت دادن مذهب در زندگی خصوصی افراد و اعمال قدرت روی افراد است.

من مبارزه متمنانه و شجاعانه زنان در ایران را می ستایم و میگویم از این الگو باید درس گرفت و در آلمان هم آنرا پیاده کرد. یعنی بجای تزلزل و کنار آمدن با فرهنگ مردسالارانه و ضد زن، ما باید بالاخره از ارزشهای انسانی و پرنسپ های رنسانس و آگاهگری دفاع کنیم. دولت با تغییر سیاست در پیش گرفتن سیاست مقابله با دو جنبه ارتجاعی راسیسم و اسلامیسم، دشمنان جامعه آزاد مانند راسیست ها و اسلامی ها و ضد یهودیها و ضد پناهجویان را با مشکلات فراوانی مواجه خواهد کرد.

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

کانادا:

Canada, ICRC, Scotiabank
4900 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
branch: Wood Green, Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

تداوم اعتراضات کارگری با شروع سال جدید

کارگران ایران پوپلین رشت همکاران اخراجی را به سر کار بازگرداندند
کارگران نیشکر هفت تپه مدیران را فراری دادند

درگیر شد و یکی از آنان که توسط کارگران شناسایی شد، شروع به تیراندازی کرد، اما کارگران عقب نشینتند و با نیروی باریگاد مدیران درگیر شدند و به سمت منازل مدیران هجوم آوردند که باعث فرار آنها و مسئولین کوی ایلام شدند. لازم به توضیح است که کارگران قصد داشتند جاده ترانزیتی اندیمشک اهواز را اشغال کنند که بدلیل تصادف دو ماشین کارگران و زخمی شدن برخی از آنها، به شرکت برگشتند و به اعتصاب ادامه دادند. شب گذشته نیز مدیریت با همکاری نیروی انتظامی قصد باریگری شکر موجود در انبار شرکت را داشت که با تجمع بموقع کارگران در مقابل انبار شکر و درگیرشدنشان با نیروهای اعزام شده، جلو باریگری کیسه های شکر را گرفتند.

در هفت تپه در واقع جنگی میان کارگران و خانواده هایشان و مدیران شرکت و نیروهای سرکوب و ارگانهای دولتی جریان دارد. کارگران مدتهاست درگیر مبارزه سرسختانه ای هستند تا جلو اخراج همکاران خود را بگیرند و دستمزدهای بالا کشیده شده خود توسط مدیران را نقد کنند. کارگران هفت تپه نمونه ای از اتحاد، عزم و اراده و کاردانی را به نمایش گذاشته اند. در مواردی خانواده های کارگران نیشکر فعالانه به میدان آمده اند و حتی جاده را اشغال کرده اند. چند هزار کارگر نیشکر و خانواده های آنها میتوانند مبارزات خود را به موفقیت کامل برسانند. خانواده های کارگران باید فعالانه سازمان یابند، مجامع عمومی کارگران برای همفکری و تصمیم گیری مشترک مرتب برگزار شود، کارگران از سندیکی خود و رهبران خود قاطعانه حمایت کنند و جلو هر نوع تفرقه و به انحراف کشانده شدن مبارزه خود را بگیرند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ فروردین ۱۳۹۷، ۲۸ مارس
۲۰۱۷

کارگران اقبالی و روزمزدی در اردیبهشت ماه، اخراج خواهند شد. در حرکت اعتراضی هفتم فروردین، کارگران در محوطه شرکت تجمع کردند و با سر دادن شعاره اعتراضشان را اعلام کردند. کارگران تمام بخش های کشاورزی نیشکر به سمت بازار هفت تپه حرکت کرده و با شعار "کارگر هفت تپه، گرسنه ایم گرسنه" دست به راهپیمایی زدند. کارگران در مسیر حرکتشان بنر نصب شده از طرف کارفرما برای تبریک سال نو را آتش زدند.

کارگران نیشکر هفت تپه در آخرین روزهای سال ۹۶ بابت عدم تحققی وعده های داده شده اعتراضاتی داشتند که در نتیجه آن مقرر شد تمامی شکرهای تولید شده در انبار دیو شود و پول فروش آن جهت پرداخت مطالبات کارگران هزینه شود. متعاقب این تصمیم کارگران در این مدت از باریگری شکر جلوگیری کردند و نگذاشتند شکر از شرکت خارج شود. در این مدت بخشی از کارگران حقوق بهمین ماه را دریافت کردند. کارگران دستمزد اسفند و عیدی آخر سال خود را نیز طلب دارند. خواست فوری کارگران، عدم حضور محصولگرا و باز شدن سهمیه آب جهت آبیاری و پرداخت حقوق ها و مطالباتشان است.

۸ فروردین: کارگران نیشکر به کوی مدیران هجوم بردند و آنها را فراری دادند

روز ۸ فروردین در دومین روز اعتصاب، کارگران بخش کشاورزی شرکت نیشکر در محوطه کارخانه تجمع کرده و سپس کارگران قسمت های مختلف نیشکر به آنان پیوستند و بطرف کوی ایلام که محله مسکونی مهندسین شرکت است به راه افتادند. کارگران در بدو ورود با حراست شهرک درگیر شدند و پس از عبور از حراست به سمت منازل مسکونی مدیران شرکت، رستمی و اسد بیگی، حرکت کردند. در اینجا نیروی بادیگارد مدیران با کارگران

از اولین روز شروع سال جدید، کارگران با ادامه اعتصابات و تجمعات اعتراضی خود اعلام کردند که وضعیت فلاکتبار اقتصادی، بیبکاری، گرانی و حقوقهای چندبار زیر خط فقر را تحمل نخواهند کرد. اعتراضات با قدرت ادامه خواهد یافت.

۶ فروردین:

کارگران ایران پوپلین رشت همکاران اخراجی خود را به کار باز میگرداندند

کارگران ایران پوپلین رشت با دو روز تجمع اعتراضی موفق شدند ۴ همکار اخراجی خود را به سر کار بازگردانند. ۴ نماینده کارگران در جریان اعتراض بخاطر دستمزدهای پرداخت نشده اخراج شده بودند که با تجمع اعتراضی کارگران در روزهای ۵ و ۶ فروردین، کارفرما مجبور شد آنها را به کار بازگرداند.

موضوع دیگر اعتراض کارگران ایران پوپلین تعویق پرداخت ۳ ماه دستمزدشان است. علاوه بر دستمزدهای معوقه، کارگران این کارخانه با مشکل قراردادهای موقت روبرو هستند. به گفته کارگران آنها قبلا با قراردادهای موقت سه ماهه استخدام میشدند اما اکنون قراردادهای آنها به یک ماه رسیده است. لازم به توضیح است که قبلا ۲۲۰۰ کارگر در کارخانه ایران پوپلین کار میکردند، اما امروز تعداد کارگران شاغل به ۳۱۴ نفر رسیده است.

۷ فروردین:

اعتصاب قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه روز ۷ فروردین تمام بخش های کشاورزی نیشکر دست از کار کشیدند و خواهان پیگیری خواستهای خود شدند. این حرکت اعتراضی در پی عدم پرداخت مطالبات و واگذاری زمینهای کشاورزی به محصولگرا (پیمانکاری) صورت گرفت. بنا بر خبرها با واگذاری زمین های کشاورزی به پیمانکار تمامی

مردم هر سه استان کردستان عراق با شعار سرنگون، سرنگون، خواهان سرنگونی حکومت اقلیم شدند

کمیته کردستان حزب ضمن حمایت از اعتراض و مطالبات مردم کردستان عراق تاکید میکند که پیشرفت و عملی شدن خواست های مردم کردستان عراق در گرو برقراری حاکمیت توده ای و شورایی مردم است. نمایندگان منتخب مردم باید در راس این اعتراضات خواست و مطالبات بر حق و عادلانه مردم کردستان عراق را نمایندگی کنند.

مردم کردستان عراق میتوانند و شایسته این هستند که خود قدرت اداره جامعه را بدست گیرند. انتخاب نمایندگان مردم از طریق شوراها ضامن اعمال حاکمیت مستقیم شهروندان و مقابله با سیاستهای هر دو حکومت اقلیم و بغداد است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ مارس ۲۰۱۸

بودجه و درآمدهای ما را دزدیند و از پولهای ما تجارت میکنند، اینها خودگمارده هستند. معلوم نیست کی اینها را به قدرت رسانده است. ما باید این دزدها را از سر راه خود برداریم، اینها را باید سرنگون کنیم. در کردستان عراق وضعیت ویژه ای حاکم است. دولت اسلامی - استبدادی مرکزی به رهبری حیدر عبادی و احزاب ناسیونالیست و اسلامی حاکم در اقلیم هر دو در دشمنی و بگروگان گرفتن معیشت و حقوق چند میلیون نفر از مردم کردستان عراق مشترکا عمل میکنند. اعتراضات چند سال گذشته و اعتراضات سراسری چند روز گذشته در کردستان عراق برای رهایی و خلاصی از این وضعیت و علیه هر دو قدرت حاکم در اربیل و بغداد اکنون با قدرت و شدت بیشتری به میدان آمده است و مطالبات خود را طلب میکند.

و.... حاضر نشده اند حقوق ها را پرداخت کنند. با این وجود اخیرا پارلمان کردستان قانونی را تصویب کرده است که فقر و فلاکت حقوق بگیران را قانونی کرده و رسمیت داده است. تظاهرکنندگان خواهان لغو قانون اخیردر رابطه با تعیین حقوقها شده اند. اعلام کردند مصوبات مندرج در این قانون تحمیل فقر مطلق به حقوق بگیران است و آنرا بر رسمیت نمیشناسند. تظاهرکنندگان اعلام کردند نماینده گانی که به این قانون رای دادند نماینده مردم کردستان نیستند و باید از پارلمان اخراج شوند.

مردم معترض اعلام کردند اعتراض شان علیه حاکمان دزد کردستان عراق و بغداد هر دو است. یک زن معترض از میان تظاهرکنندگان اعلام کرد احزاب حاکم در اقلیم همانند حاکمان بغداد، مجموعه ای دزد و فاسد هستند،

سلیمانی تحصن کردند و شب را در خیابان ماندند.

اعتراضات مردم اربیل و دیگر شهرهای این استان ادامه اعتراضات مردم سلیمانیه، دهوک و حلبچه و پنجوین و... است که در یکسال گذشته ادامه داشته است.

از سال ۲۰۱۴ تا کنون دولت اسلامی - استبدادی مرکزی عراق بودجه های اقتصادی اقلیم کردستان را قطع کرده است. در یکسال گذشته و بویژه با سرکوب فراندوم در کردستان عراق و حمله مشترک دولت مرکزی و سپاه قدس جمهوری اسلامی به کرکوک، مذاکره حکومت اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق برای پرداخت حقوق های پرداخت نشده ادامه داشته است. و از طرف دیگر احزاب حاکم در اقلیم کردستان با وجود در اختیار داشتن درآمدهای کلان از طریق فروش نفت و گمرکات و مالیات

روز ۲۵ مارس ۲۰۱۸ شهر اربیل مرکز اقلیم کردستان عراق همراه با مردم و کارمندان دولتی در استانهای سلیمانیه و دهوک با راه پیمایی کوبنده و شعار سرنگون باد حکومت اقلیم کردستان روزی پر شور و امید را آغاز کردند. هزاران نفر از کارگران، معلمان و کارکنان و جوانان شهرهای کردستان عراق علیه فقر و بیکاری، علیه پرداخت نکردن حقوق هایشان راه پیمایی کردند. اعتصاب کارگران برق سلیمانیه باعث شد برق کارخانه های دولتی قطع بشود. تمام کارمندان و پزشکان سلیمانیه دست به اعتصاب زدند. در نتیجه این اعتصاب بخشهای غیر اوزانسی بیمارستانها تعطیل شدند. معاون کمیسیون بهداشت اعلام کرد مسئولیت تعطیلی بیمارستانها به عهده دولت است. بخشی از اعتصابیون در مقابل دادگاه

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

تمام آمرین و عاملین
جنایات جمهوری اسلامی
در چند دهه گذشته
باید دستگیر و علنا
محاكمه شوند!

کلیه نیروهای
سرکوبگر
جمهوری اسلامی
باید فوراً منحل شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

مشخصات کانال جدید در یاه ست:

فرکانس 12594

سیمبل ریت 27500

FEC 2/3

پلاریزاسیون عمودی

هاتبرد:

فرکانس 11471

سیمبل ریت 27500

FEC 5/6

پلاریزاسیون عمودی

کانال جدید از امروز روی دو ماهواره یاه ست و هاتبرد پخش میشود

به اطلاع عموم میرسانیم که با توجه به شروع خیزش انقلابی مردم و اوضاع متحولی که در ایران شروع شده است، تلویزیون کانال جدید که در یکسال گذشته از ماهواره یاه ست پخش میشود، از امروز ۲۲ دیماه (۱۲ ژانویه) از هاتبرد نیز پخش میشود.

مشخصات کانال جدید در این دو ماهواره را به دیگران اطلاع دهید. کانال جدید صدای مردم است، صدای انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی، صدای مردمی که در خیابان ها فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی سر میدهند و در کارخانه ها دست به اعتصاب و تجمع میزنند. صدای مادران و پدرانی است که در مقابل زندانها آزادی عزیزان خود را میخواهند. صدای مردم به خروش آمده علیه کل دم و دستگاه جنایت و چپاول اسلامی است. صدای زنانی است که تبعیض و تحقیر و نابرابری و تحمیلات اسلامی را نمیخواهند. این رسانه را به هر شکل که میتوانید از جمله با کمک مالی تقویت کنید.

کانال جدید

سمینار سیاسی در استکهلم

آینده ایران و جایگاه نیروهای چپ و سوسیالیست



حسرو اهنگر
سازمان راه کارگر



رحمان حسین زاده
حزب کمونیست کارگری
حکمتیست



کاظم نیک خواه
حزب کمونیست
کارگری ایران



صلاح مازوجی
حزب کمونیست ایران



شنبه 14 آوریل

از ساعت 13.00 تا 17.00

Hägersten, Axelsbergtorget 3
Tunnelbana röda linje mot Norsborg
T-Axelsberg



**Down with
the Islamic
regime of Iran!**

مرگ بر جمهوری اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

انترناسیونال

**نشریه حزب
کمونیست کارگری**

سردبیر: خلیل کیوان

مسئول فنی: سهند مطلق

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مردم کردستان!

علیه کشتن کولبران توسط حکومت اسلامی یکصدا دست به اعتراض بزنیم!

حکومت گسترش دهند. باید با اعتراضات عمومی خود کاری کنیم که جنایتکاران قادر نباشند حتی یک کولبر دیگر را به رگبار ببندند. حکومتی که مردم زحمتکش را بیرحمانه کشتار میکند و حاضر نیست به ساده ترین نیازهای زندگی مردم پاسخ بدهد باید سرنگون شود. این فوری ترین خواست مردم در کردستان و در سراسر کشور است.

کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران

۸ فروردین ۱۳۹۷، ۲۸ مارس
۲۰۱۸

افزایش بوده و از بهار ۹۴ تا بهار ۹۶ در کردستان حداقل ۳،۹ درصد افزایش پیدا کرده است. هزاران جوان بیکار و مردم زحمتکش در مرزهای مشترک ایران و عراق مجبور به کار غیر انسانی کولبری شده اند. در شرایطی که جمهوری اسلامی حاضر به پرداخت بیمه بیکاری برای تامین زندگی مردم نیست، و فقر و گرانی پدید میآورد مردم مجبورند برای تامین معاش خود به هر کاری دست بزنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری مردم کردستان را فرامیخواند به اعتراضات خود در دفاع از کولبران و علیه وحشیگری

هنوز چند روز از آغاز سال نو نگذشته است که متأسفانه در مناطق سلماس، ربط و سردشت با شلیک نیروهای انتظامی حکومت جنایتکار اسلامی، ۲ نفر از کولبران به نام ابراهیم سلیمانی و شهرروز حمیدزاده به قتل رسیدند و جمال خباز و لقمان محمدزاده بشدت مجروح شدند.

در سال گذشته بیش از ۷۰ کولبر در اثر شلیک نیروهای انتظامی به قتل رسیده و بیش از ۱۵۰ کولبر زخمی و معلول شده اند. در شهرهای کردستان بیکاری پدید میآورد. رشد نرخ بیکاری در دو سال گذشته در کردستان رو به



انقلاب زنانه در شهر استکهلم سوئد برگزار می کند کنفرانس دختران خیابان انقلاب

در حمایت از دختران خیابان انقلاب و مبارزات زنان علیه حجاب و جمهوری اسلامی



Shirin Shams
شیرین شمس



Mina Ahadi
مینا احدی



Haideh Daragahi
هایده درآگاهی



Farideh Arman
فریده آرمان



Mahin Alipour
مهین علیپور



Jenny Wenhammar
جنی وین هامر



Maryam Namazi
مریم نمازی

پنل اول: انقلاب زنانه در ایران

دختران خیابان انقلاب از ایران (صوتی)

زهره صفایی
آتنا فرهنگی
اندیشه اسکندری

و

شیرین شمس از مسئولین انقلاب زنانه
مینا احدی فعال حقوق زنان

پنل دوم: دختران انقلاب دوره ۱۳۵۷

هایده درآگاهی فعال حقوق زنان
فریده آرمان از مسئولین سازمان سراسری حق زن
مهین علیپور فعال دفاع از حقوق زنان

پنل سوم: حمایت های بین المللی از دختران خیابان انقلاب

جنی وین هامر از سازمان فمِن در سوئد
مریم نمازی برنده جایزه سکولاریست ۲۰۱۶ (تصویری)

زمان: پنجشنبه . پنجم آوریل ۲۰۱۸ . ساعت ۱۸:۰۰ الی ۲۲:۰۰

مکان: فولکتس هوسبی Folkets Husby, Edvard Griegsgången 16, Husby

— راه تماس برای اطلاعات بیشتر: ۰۰۴۶۷۳۹۶۸۱۴۳۸ — ورود برای عموم آزاد است —